کنترل بیش از حد اقتصادی، مصیبتی ملی برای ونزوئلا

وال استریت ژورنال

تورم در ونزوئلا سالانه به بیش از 70 درصد رسید.

کسری تورم بودجه به 10 درصد تولید ناخالص ملی رسیده است.

آسمان کاراکاس پایتخت زیبای ونزوئلا همانند شهری‏ تحت محاصره مملو از آتش و دود است.در شهر کمی‏ و کاستی زیادی به چشم میخورد،در بیمارستانی دولتی واقع‏ در ناحیه کارگری "SUCRE" نه‏تنها بسیاری از داروها کمیاب و غیر قابل دسترس است،بلکه بسیاری از کودکان‏ تحت معالجه از سوء تغذیه شدید رنج میبرند.نابسامانی‏ در تمامی زمینه‏ها محسوس است.

قطع برق در ماه گذشته موجب از کار افتادن کوتاه‏مدت برج‏ فرودگاه بین المللی گردید.وزیر داخله میگوید کمبود فضای‏ زندانها موجب آزاد بودن دهها هزار بزهکار و تداوم غارت‏ و چپاول آنان گردیده است.در بخش اسپانیائی کاراکاس‏ بسیاری از مقررات اجتماعی نادیده گرفته میشود.تعداد کشته‏شدگان در تظاهرات خشونت‏آمیز و تخلفات در یک‏ روز تعطیل آخر هفته حتی از سارایوو نیز بیشتر بوده است.

میتوان گفت که در شناختی درست از پدیده بی‏ثباتی‏ اجتماعی و فساد،نمیتوان به عواملی نظیر جنگ و یا آفت‏ طاعون اشاره نمود،بل حقیقت این است که اینگونه‏ پدیده‏ها ناشی از واکنش حاکم بر مسایل اقتصادی توسط دولت است.

-دستورات شدید اقتصادی

در تابستان گذشته،پرزیدنت‏"رافائل کالدرا"فرمانی‏ مبنی بر اختیارات بیشتر دولت صادر نمود.این دستورات‏ شامل قیمت‏گذاری،تعیین مالکیت املاک و کنترل‏ معاملات ارزی بود.

با این حکم،رئیس جمهور 79 ساله نه‏تنها مردم ونزوئلا و سرمایه‏گذاران خارجی را بمبارزه طلبید،بلکه موجب‏ تحولاتی بی‏سابقه در بازار آزاد گسترده در امریکای لاتین‏ گردید.وی در خصوص اصلاحات اقتصادی اعلام داشته‏ است،ونزوئلا نمادینی از تحولات گوناگون است و با برخورداری از حمایت و شوق میهن‏پرستان و همچنین‏ افزایش درآمد نفتی در تلاش احیاء و گسترش به شیوه‏ امروزی پویولیسم دولتی است ولی علیرغم اظهارات‏ "کالدرا"خودکفایی اقتصادی،چنان اختناقی را بوجود آورده‏ است که رنج و عذاب آن کمتر از استبداد و خودکامگی نیست. وخامت اوضاع اقتصادی در سال جاری وارد سومین سال‏ پیاپی خود گردیده است.

نرخ تورم سالانه در رده بالاترین‏ها در جهان و در حدود 70% است.بانک جهانی "W.B" خبر از سیاست انقباضی‏ سرمایه‏گذاران خصوصی را داده است.نرخ پس‏انداز شدیدا کاهش یافته و عدم توازن و کسری بودجه به 10%تولید ناخالص ملی بالغ گردیده و به رقم 80 میلیارد دلار رسیده‏ است.

ونزوئلا کشوری است که ثروت طبیعی آن بیش از هر کشور امریکای جنوبی است.توان صادرات نفتی‏ و سایر تولیدات ملی آن به ترتیب 75%و 25%است. بنابراین با این توان میتواند موجبات کاهش و یا قطع‏ سوبسیدها بویژه در شرکتهای دولتی را فراهم کرده و قوانین‏ زیاد و دست‏پاگیر خود را نیز ملغی نماید.براستی چه عواملی‏ موجب سقوط و تنگناهای اقتصادی در ونزوئلا گردیده‏ است؟

بنابه گفته سرپرست برنامه خصوصی‏سازی دولت‏ و طرفدار عمده‏"اقتصاد آزاد":خصوصی‏سازی متناسب‏ با تغییرات کلی و ریشه‏ای در قوانین است،ولی ما هیچ‏گاه‏ چنین حرکتی را نداشته‏ایم و دلیل آن نیز درآمد سالانه 14 میلیارد دلاری نفت است.

آخرین طرح اقتصادی رئیس جمهور،نمونه بارزی از دفع‏ الوقت و طفره رفتن از تصمیمات مهم و قاطع است.دولت‏ چندی قبل بعضی از مقررات اضطراری که موجب تعلیق‏ بسیاری از حقوق سیاسی و اقتصادی میگردید را ملغی نمود. ولی کنگره زمانی اینگونه قوانین را تصویب نمود،که چندین‏ لایحه با زمینه قانونی توسعه نقش دولتی بر اقتصاد را نیز مورد تأیید و تصویب قرار داد.

علیرغم اینکه واحد پول ونزوئلا"بولیوار"35%اضافه ارزش‏ دارد،ولی تاکنون با تضعیف واحد پولی و همانند گذشته با احتکار و سفته بازی روبرو نگشته و همواره قابل رقابت‏ و مقایسه با دلار است.

دولت سوبسید هنگفنی به‏"نفت گاز"اختصاص داده‏ و بهای آن در حدود پانزده سنت برای هر گالن است،علاوه‏ بر این رئیس جمهور یک بار دیگر تعدیل نیروی انسانی‏ انبوه دولتی و کاهش آن را که رقمی در حدود 15%نیروی‏ انسانی را بخود اختصاص داده است را به تعویق انداخته‏ است.گرچه طرح رئیس جمهور در بعضی موارد نظیر آزادی‏ سرمایه‏گذاری خصوصی در صنایع نفتی دولتی قابل‏ تحسین و ستایش است.ولی با توجه به اینکه تحقق آن سالها بطول خواهد کشید،قابل تامل و بررسی است.

-استناد به مشکلات مکزیک

اخیرا رئیس جمهور ونزوئلا در توجیه سیاست مداخله‏ گرایانه خود به سقوط پزو و صدمات برنامه‏"بازار آزاد" مکزیک اشاره نموده است.وی در این رابطه اظهار داشته‏ است،:من خوشحالم از اینکه به سخنان طرفداران‏ اصلاحات اقتصادی به شیوه مکزیک گوش فرا نداده‏ام. ناگفته نماند که مکزیک با داشتن رکود و بحران اقتصادی‏ امیدواری و خوش‏بینی نسبت به ونزوئلا دارد.

در ماه جاری پس از کاهش ارزش پول آن‏ کشور(مکزیک)،نرخ تورم افزایش مختصری داشت ولی‏ بهرحال کمتر از نرخ تورم در ونزوئلاست.تا قبل‏ از بحران،دولتمردان مکزیک موفق به جذب مقادیر زیادی‏ سرمایه‏گذاری خارجی گردیده‏اند که میتوان آن را ناشی‏ از نوعی سیاست تزریق کنترل سرمایه دانست،در موردی که‏ در حال حاضر موجب گردیده ونزوئلا در نشر بسیاری از سرمایه‏گذاران بصورت یک کشور منفور درآید.

ظرف چند سال گذشته،ونزوئلا با 21 میلیون‏ نفر جمعیت،یکی از کشورهای مهم و قابل بحث امریکای‏ لاتین در جلب و جذب سرمایه‏گذاری خارجی بود.

سیاست فریبنده و تهاجمی رئیس جمهور وقت‏"کارلوس‏ آندرس پرز"در مورد بازار آزاد موجب جلب سرمایه‏گذاری‏ خارجی هنگفتی گردید،بطوریکه فقط میزان آن در سال‏ 1990،بیش از یک دهه گذشته و رشد اقتصادی متوسط سالانه در 92-1990 نیز بالز بر 7%برآورد گردیده بود.

دو کودتای نظامی که با شکست روبرو گردید و شورش‏ و بلوای مایحتاج غذایی موجب گردید که کشور با صدمات‏ اقتصادی زیادی مواجه شود و در نتیجه برنامه اقتصادی‏ "پرز"در سال 1993 از مسیر خود خارج گردید.

در تحلیل علت مربوط به بحران اقتصادی در هنگام‏ زمامداری‏"پرز"باید گفته شود که وی خود را یک پویولیست‏ و مردم گرامیدانست و واماندگی و شکست‏"بازار اقتصادی‏" را به عقب‏افتادگی فرهنگی نسبت میدادء و این پدیده‏ را نیز به تولد و پیدایش ثروت منابع طبیعی(نفت) و سلطه‏جوئی تاریخی زمامداران گذشته میدانست.

نظرخواهی در ونزوئلا نشان میدهد که 90%مردم در عین‏ حالیکه خود را یک کشور ثروتمند میدانند،در حال چالش‏ و مبارزه برای توزیع ثروت در میان توده مردم‏ هستند.بنابراین مجموعه‏ای از سیاست‏های باصطلاح‏ پدرانه برای مردم و از بین‏بردن تدریجی اصول و آئین کاری‏ موجب گردید که اقتصاد سرمایه‏داری در آن کشور دچار بحران و مراحل سختی گردد.

"پرز"باتهام سوء استفاده از وجوه عمومی و دولتی در سال‏ 1993 اجبارا کناره گرفت.و پس از آن افکار عمومی متوجه‏ "Caldera" "کالدرا"گردیده وی با حربه احیاء و افزایش‏ سریع بهای نفت خام همانند دهه هفتاد بجنگ تجدید انتخابات رفت.آنچه که وی پس از انتخاب شدن با آن‏ مواجه گردید،سیستم متزلزل بانکی بود که بر اثر سوء مدیریت ایجاد گردیده بود،ولی با تمام این اوصاف وی‏ موجباتی را فراهم ساخت که این مسئله تبدیل به یک‏ مصیبت تمام عیار گردد،و چندین بانک عمده نیز بر اثر سیاست‏های وی به مرحله ورشکستگی و تعطیل برسند. متعاقب این شکست وی در مقابل فشار افکار عمومی‏ مجبور گردید سپرده‏گذاران را از مخمصه‏ای که دولت بوجود آورده بود برهاند.

-آخرین واکنش

بالاخره در ماه ژوئن سال گذشته و بدنبال یک اعتصاب‏ عمومی‏"کالدرا"مبارزه‏جوئی خود را آغاز نمود و ضمن‏ برقراری کنترل بر روی قیمت‏ها و ارز خارجی،بعضی‏ از حقوق و آزادیهای سیاسی را نیز بحالت تعلیق درآورد.وی‏ پس از نطق و سخنرانی و اعلام تعهد خود مبنی بر ایجاد دولتی که قدرت حکومت را داشته باشد،موجب جذب آراء و طرفداران بیشتری گردید بطوریکه میزان محبوبیت وی‏ در یک نظرخواهی به 70%رسید.گرچه رئیس جمهور سخنی مبنی بر اینکه بخش تجاری چگونه باید به فعالیت‏ تجاری خود ادامه دهد،بمیان نیاورد،ولی بهر صورت کلیه‏ شرکتهای تجاری خود را در محاصره کنترل ارزی دیده و علت آن نیز کمبود ذخایر ارزی دولت اعلام گردید.

تحدید نقل و انتقالات ارزی بصورتی درآمد که شرکتهای‏ چند ملیتی قادر به انتقال سود سهام خود بخارج و شرکت‏ مادر نبودند علاوه بر این محدودیت مذکور دامن‏گیر بخش‏ دولتی نیز گردیده بود.بعنوان مثال وزارت داخله قادر به‏ خرید کاغذ وارداتی به منظور صدور کارت شناسایی‏ شناسنامه نبود.

در واقع در شرایطی که کنترل سرمایه مانعی بر سر راه‏ فعالیت تولیدی محسوب گردد،اثرات ناخواسته‏ای نیز بر سوبسید کنترل شده دولتی و افزایش آن در مقایسه‏ با سطح بین المللی را بوجود خواهد آورد.

طبق ضوابط مسافرتی،هر ونزوئلایی مجاز به دریافت‏ بهای بلیط خود باضافه 4000 تا 2000 دلار بازاء هر دلار 170 بولیوار بود.پس از آن دولت دیگر کنترلی بر ارز پرداختی به مسافر نداشت،برخی مسافران با توجه به‏ ارزش هر دلار معادل 240 بولیوار در بازار سیاه مبادرت به‏ فروش آن می‏کردند.

در سال جاری برخلاف پروازهای داخلی که به نصف‏ رسیده بود،پروازهای خارجی شرکت هواپیمائی‏ ونزوئلا "Avensa" روند افزایشی داشت.ولی بهرصورت‏ سیاست کنترل سرمایه اثر منفی بر روی هر دو پرواز داخلی‏ و خارجی گذاشته است.از ناوگان هواپیمای‏ مسافربری "Avensa" که بالغ بر 32 فروند است،یک سوم از آنان بدلیل کمبود ارز و قطعات یدکی،مورد استفاده قرار نگرفته است.

-کنترلهای عمومی

در ونزوئلا کنترل قیمت حتی در مورد کالای کم اهمیت نیز رعایت میشود.بعنوان مثلا میتوان به "Cornflex" اشاره‏ نمود که تولیدی ممتاز در امریکا لاتین است.سیاست‏ کنترل سرمایه بر این محصول سوبسید برقرار نموده است. ولی علیرغم آن مقامات شرکت سازنده "Kelloggco" میگویند،45%زیر سود مورد انتظار کالای خود را بفروش‏ میرساند.از دیگر موارد نگران‏کننده برای شرکتهای تحمیل‏ و فشار متعصبانه موسسه دولتی دفاع و آموزش مصرف‏کننده‏ است.سرپرست این موسسه بارها خرده‏فروشان و تولیدکنندگان را متهم به احتکار و بهای نامناسب کالا نموده‏ است.

در بخش آموزش با توجه باینکه 75%از بودجه آموزش‏ جذب دانشگاهها میگردد،سیستم پایه‏ای آموزش با کمبود بودجه روبرو گردید بطوری که در یک مطالعه و بررسی آمده‏ است،که 25%از معلمان مدارس عمومی سواد چندانی‏ در حرفه و تخصص خود ندارند.

با وجود اختصاص چنین بودجه‏ای به دانشگاهها، دانشجویان هنوز هم حاضر به کمک به دولت در این دوران‏ سخت نمیباشند.چندی قبل آنان تظاهرات زیادی‏ در خیابانها براه انداخته و دولت را برای احتمال تصمیم‏گیری‏ در خصوص افزایش بهای حمل‏ونقل و کاهش بهای نفت‏ گاز مورد اعتراض و تهدید قرار دادند.

-سایر اصلاحات انجام نشده

فشار جناحهای ذینفع در تغییر برنامه اقتصادی دولت‏ تاکنون اثر چندانی نداشته است.دولت بجای افزایش بهای گاز اعلام افزایش درآمد خود را از طریق برقراری‏ مالیات بیشتر نموده است.با دستور یک جانبه رئیس‏ جمهور در پرداخت پاداش به کارگران،در واقع بار مالی‏ دیگری بر دوش بخش تجارت تحمیل گردید.در عین حال‏ چنین پرداختی موجب کاهش ناآرامی و اعتراض در میان‏ کارگران به روند افزایشی بیکاری بوده است.

طرح خصوصی‏سازی یک شرکت برق دولتی بدلیل‏ مخالفت با تدوین تعرفه‏های کمکی برای مصرف‏کنندگان‏ توسط قانونگزاران،ملغی گردید.طرفداران رئیس جمهور میگویند،مردم باید تا زمانیکه اثرات ناگوار بحران بانکی از بین برود.صبور باشند.برخی میگویند رئیس جمهور بسیار روشنفکرتر از آن است که مردم تصور میکنند.از هنگامیکه‏ متوجه گردیده میزان محبوبیتش در نظرخواهی عمومی‏ رو به کاهش است،علائمی مثبت که حاکی از مقابله با واقعیت‏های اقتصادی حاکم بر کشور را از خود نشان‏ داده است.مهمترین عاملی که بیانگر فراست وی در شناخت‏ موقعیت‏ها بود،حضور و سخنان وی در مراسم روز پرستار ونزوئلا بود که از جانب واتیکان نیز مورد تحسین قرار گرفت.وی پرستاران را نه تنها راهنمایان اخلاق و سیرت‏ خواند،بلکه پیشنهاد نمود که اعتبار بیشتری بدانها بهنگام‏ افزایش بهای نفت خام داده شود.

معاون پارلمان رئیس جمهور میگوید،رئیس جمهور زمامداری خود را بر کشور تا زمان به پایان رسیدن‏ بحران بودجه ادامه خواهد داد.در سال جاری بسیاری از آژانس‏های دولتی فقط 30%بودجه تخصیصی خود را دریافت کرده‏اند و این رقم فقط تکاپوی حقوق و دستمزد پرداختی آنان را میکند.معاون پارلمان میگوید،دولت‏ چنانچه قادر به پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان خود نباشد یا باید اسکناس چاپ نموده و با ریسک تورم لجام گسیخته‏ مواجه گردد و یا اینکه مالا باید تعدادی از کارکنان خود را اخراج کند که در آنصورت نیز با موج اعتراض و ناآرامیهای‏ اجتماعی روبرو میشود،و در هر صورت با بدبختی بزرگی‏ روبرو خواهد شد.تحت این شرایط کشوری که خود را عربستان سعودی سعودی امریکای لاتین تصور میکرد، بطور فزاینده‏ای تبدیل به کشوری همانند نیجریه خواهد گشت.

ترس از خصوصی‏سازی

از مجلهء اکونومیست،ژوئیه 1995

دولت مالزی نظریهء خود را در مورد خصوصی‏سازی‏ تا حدی تغییر داده است.سیاست دولت در مورد رشد و شکوفایی اقتصادی هنوز به قوت خود باقی است،ولی‏ تعداد شرکتهایی که در یک بازار بخصوص رقابت می‏کنند باید محدود شوند.ماهاتیر محمد،نخست وزیر مالزی که‏ از سال 1983 طرفدار سرسخت خصوصی‏سازی بوده است، در 24 ژوئیه امسال گفت که دولتش فعالیت بخش‏ خصوصی را به تدریج کنترل خواهد کرد.به عقیده وی‏ اگرچه رقابت برای کاهش قیمت کالا و خدمات خوب است‏ ولی رقابت بیش از اندازه باعث ورشکستگی یک شرکت‏ خواهد شد.

اعتقاد بر اینست که نگرانی دکتر ماهاتیر از خصوصی‏ سازی از مشکلاتی ناشی می‏شود که رودرروی شرکت ملی‏ برق‏"تنگا"قرار گرفته است.صنعت برق مالزی برای‏ جبران کمبود برق در سال 1992 به بخش خصوصی‏ واگذار شد.هم‏اکنون چهار تولیدکنندهء مستقل برق به‏ "تنگا"برق می‏فروشند و پنجمی نیز قرار است در سال آینده‏ کار خود را آغاز کند.

شرکتهای تولیدکنندهء برق پس از پیروزی در خرید و انعقاد قراردادها به سرعت به عرضهء برق پرداختند.برای مثال، شرکت‏"وای.تی.ال‏"،در اکتبر امسال یعنی 6 ماه جلوتر از برنامه پیشبینی شده شروع به فروش برق به‏"تنگنا"کرد. اتفاقا"تنگا"به این برق نیاز نداشت،ولی به موجب مفاد قرارداد مجبور بود به هر ترتیب آن را بخرد.

در ماه مه‏"تنگا"درخواست کرد قیمتهای برق افزایش‏ یابد،ولی دکتر ماهاتیر آن را رد کرد و خواستار بررسی بیشتر شد.منابع نزدیک به‏"تنگا"می‏گویند احتمال تجدیدنظر در سیاست انرژی مالزی وجود دارد.تولیدکنندگان مستقل‏ با بررسی دقیق خواهند آمد.این نگرانی وجود دارد که درآمد امسال و سال آیندهء"تنگا"در نتیجهء پرداختهای سنگین به‏ این تولیدکنندگان کاهش یابد.به همین خاطر،دولت‏ مالزی که 71 درصد از سهام آن را در اختیار دارد بسیار دشوار می‏تواند قیمتهایی را که‏"تنگا"به تولیدکنندگان مستقل‏ برای برق می‏پردازد جبران کند.

در درازمدت،هیچ‏کس نمی‏گوید که سیاست برق مالزی‏ در کل اشتباه است،زیرا تقاضا برای برق سالانه 14 درصد رشد دارد و بیشتر تحلیلگران معتقدند داشتن یک ذخیره‏ سیاستی محتاطانه است.